

ارزیابی روش‌های خصوصی‌سازی

## نگاهی دیگر به کارفرمای بزرگ

می‌باشد به صورت جدی توجه شود. در بخش‌هایی از این اصل به مسایل واگذاری و همچنین فضای کسب‌وکار پرداخته شده است. به عنوان مثال ماده ۷ این اصل در مورد بهبود فضای کسب‌وکار از طریق اصلاح وضع صدور مجوزها می‌باشد که طبق آن هیچ دستگاهی نباید از یک زمان مشخص شده برای صدور مجوز عدول کند.

از اقدامات دیگر در این راستا، می‌توان به تعیین یک هیأت به عنوان هیأت مقررات‌زدایی از سوی رئیس‌جمهور اشاره کرد که وظیفه آن بررسی مقررات موجود و اعلام مواردی است که مانع بهبود کسب‌وکار می‌باشند. این‌ها از جمله قدم‌های مفیدی هستند که هم‌اکنون در جهت رشد بخش خصوصی برداشته می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که مسیر حرکتی مشخص شده و فضای لازم جهت ورود بخش خصوصی فراهم آمده است. یعنی، دیگر زمان آن رسیده که دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ جای خود را به بخش خصوصی بدهد. از سوی دیگر در مورد فضای کسب‌وکار، متغیر کسب‌وکار رابطه مستقیمی با میزان تشکیل سریع سرمایه ثابت به وسیله بخش خصوصی دارد، چرا که بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش سرعت گردش کار و شفافیت معاملات را به همراه دارد که در ادامه، باعث افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های تولید خواهد شد.

به عنوان مثال تا چندی پیش وقتی بخش خصوصی درخواستی مبنی بر تأسیس یک شرکت را داشت، گاهی تا ۵۰ روز هم باید منتظر صدور مجوز آن می‌ماند. اگر قرار باشد بخش خصوصی بر اساس منطقه اقتصادی، پروژه‌ای را انتخاب کند، دیگر نمی‌توان تا این اندازه زمان را برای صدور مجوزها تلف کرد، بلکه باید همان لحظه اقدامات لازم صورت گیرد و در زمان خیلی کوتاه‌تری این مجوزها صادر شوند. در حال حاضر این اتفاق افتاده و در واقع یک انقلاب رفتاری در ثبت شرکت‌ها به صورت الکترونیکی رخ داده است. لازم به ذکر می‌باشد که رتبه کشور ما در این مورد حدود ۴۰ پله ارتقا یافته است.

مثال دیگری که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد، مجوزهای ساخت‌وساز می‌باشد. بر اساس آیین‌نامه‌های موجود در شهرداری برای ساخت یک محل تولیدی لازم بود سه تا چهار دفعه بازرسی صورت گیرد که در هر بار بازرسی، این پروژه ساختمانی باید متوقف می‌شد و تا زمانی که نتیجه بازرسی خوب اعلام نمی‌شد، اجازه ادامه‌یافتن پروژه هم داده نمی‌شد. در واقع این مورد یکی از مسایل پیش روی کسب‌وکار به شمار می‌رفت، اما

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر بهروز علیشیری، معاون وزیر اقتصاد و دارایی و رییس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی

مناسی را تجربه نکرد و در یک فضای سختگیرانه همواره با قوانینی که اصلاً با رشد این بخش متناسب نبود حرکت می‌کرد. البته در مواردی می‌توان به برخی تلاش‌های صورت گرفته در جهت بهبود وضعیت

آمارهای جهانی حاکی از یک روند نزولی برای رتبه کشور ما در عرصه جهانی بوده و واقعیت‌های کشور هم تا حدی مؤید این آمارها می‌باشند. تحلیل جنابعالی در این رابطه چیست؟



بخش خصوصی اشاره کرد که متأسفانه همواره در برابر برخی رقبای قدرتمند دولتی نافرجام بوده است. اما هم‌اکنون وضعیت تغییر کرده و اقدامات و تلاش‌های بسیار خوبی در این رابطه صورت گرفته است، چرا که به طور طبیعی شرکت‌های دولتی بر پایه منطق اقتصادی عمل نکرده و بهره‌وری پایینی دارند و بایستی بخش خصوصی رشد کرده و به جایگاه مناسب خود برسد. نکته حایز اهمیت در این بحث این است که ما تازه وارد این دوره جدید شده‌ایم، در حالی که برخی کشورهای دیگر همچون ترکیه ۳۰ سال است که خصوصی‌سازی را شروع کرده‌اند. در این راستا می‌توان به کشورهای عربستان، امارات و حتی پاکستان هم اشاره کرد که زودتر از ما وارد این عرصه شده‌اند و در واقع، تنها توجه به آمارهای جهانی صحیح نیست، چرا که روند رو به رشدی را تجربه خواهیم کرد. این دوره در حال گذار، دوره بسیار مهمی برای کشور است و همه باید در جهت رشد آن تلاش نمایند.

من معتقدم لازم است به اصل ۴۴ قانون اساسی که به عنوان ستون‌های حرکت اقتصاد کشور مطرح

طبق گزارشی که در سال جاری در خصوص رتبه ایران در فضای کسب‌وکار به دست ما رسیده، نه تنها روند نزولی سال‌های قبل متوقف شده، بلکه حتی جایگاه کشور چند پله نیز بهبود یافته است. در این گزارش ۱۰ شاخص مختلف مورد بررسی قرار گرفته که در برخی از آنها تا ۴۰ پله هم جهش داشته‌ایم. موضوع رضایت‌بخش در این بحث، توقف روند نزولی شاخص کلی فضای کسب‌وکار می‌باشد که ما توانستیم با تلاش شبانه‌روزی بعد از چند دهه به این مهم دست یابیم و روند صعودی را در پیش بگیریم. در واقع ما توانستیم نقطه عطفی در این بخش ایجاد کنیم.

در اقتصاد ما تا همین چند سال اخیر، موضوع مشارکت فعالان واقعی در عرصه‌های اقتصادی وجود نداشت که در این خصوص می‌توان شرایط انقلابی و ساختار نفتی اقتصاد کشور را از جمله دلایل این اتفاق دانست. در واقع، اقتصاد ما همواره دولتی و شبه دولتی بوده است، لذا این اقتصاد اصلاً آمادگی حضور موفق در گردونه رقابت را نداشت.

بنابراین بخش خصوصی به هیچ‌وجه رشد

هم‌اکنون تعداد بازرسی‌های مذکور یک یا دو بار در طول ساخت پروژه می‌باشد و همچنین مسأله دیگر این که تا زمانی که نتیجه بازرسی اعلام شود، پروژه متوقف نمی‌شود. در نتیجه، این امر علاوه بر کاهش برخی هزینه‌های اضافه مربوط به بازرسی‌ها، توقف کار، هدر رفتن سرمایه و بیکار شدن کارگران را هم در پی نخواهد داشت.

**نتیجه‌گیری:** وضعیت زیرشاخه‌هایی که شاخص فضای کسب‌وکار از آن تشکیل شده است، چگونه است؟

در بین شاخص‌هایی که در مورد فضای کسب‌وکار عنوان شده، ما توانستیم در برخی موارد حرکت مثبت داشته باشیم و در واقع چندین پله صعود کنیم، ولی در برخی شاخص‌ها هم، وضع بدتر شده است.

البته در مجموع می‌توان عنوان کرد که بعد از سال‌ها حرکت نزولی، این روند تغییر کرده و در جهت رشد مثبت به حرکت درآمده است. در این تغییر جهت دو نکته بسیار مهم وجود دارد. اولین مورد در خصوص بازسازی نگرش‌ها و هنجارهای اقتصادی داخلی بوده که با تلاش‌های شبانه‌روزی در این بخش اقدامات خوبی صورت گرفته است. مورد بعد که از اهمیت بیشتری برخوردار است به نحوه حرکت ما در محیط بین‌المللی مربوط می‌شود. به این صورت که به علت فشرده‌گی رقابت‌ها و غافل نبودن دیگر کشورها در این عرصه، نیاز به یک عزم ملی خواهیم داشت.

امروز یک صادرکننده در کشور ملزم به ارایه ۸ سند برای صادرات کالای مورد نظر خود می‌باشد که این باعث صرف هزینه و زمان در جاهایی می‌شود که اصلاً نیازی به آن نیست. همین‌طور در مورد واردات، واردکننده بایستی ۱۰ سند را ارایه دهد. این دو از جمله دیگر مواردی هستند که باعث سقوط رتبه ما در بحث تجارت‌های فرامرزی تا جایگاه ۱۳۰ جهانی می‌شوند. تصمیمی که ما در این خصوص داریم، کاهش تعداد سندهای لازم جهت صادرات و واردات کالاهای می‌باشد تا بتوانیم رتبه کشور در این شاخص را هم ارتقا دهیم. در مجموع اگر قرار باشد بخش خصوصی و به طور خاص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خارجی در کشور ایجاد شود، بایستی فضای کسب‌وکار اصلاح شود و به صورت بهینه حرکت نماید. کار بزرگ ما این نیست که روند نزولی آن را متوقف کردیم، بلکه کار بزرگ این است که توانستیم این بحث را به عنوان یک مفهوم دایمی روی میز تمام بخش‌های کشور قرار دهیم و در واقع آن را تبدیل به یک ارزش ملی کردیم.

**نتیجه‌گیری:** اولاً آیا روند خصوصی‌سازی‌ها به بهبود فضای کسب‌وکار انجامیده است و ثانیاً با توجه به این که هنوز مدیریت خصوصی نداریم، آیا واگذاری‌های اخیر، واگذاری به بخش خصوصی بوده یا به بخش دولتی؟



این حرف که باید واگذاری‌ها کاملاً به بخش خصوصی صورت گیرد، حرف خیلی قشنگی است، ولی عملی نیست. در این مورد مباحث اقتصاد توسعه بیان‌کننده مسایل پیش رو خواهد بود. به عنوان مثال، بخش خصوصی توان خرید ۸ میلیارد دلار سهام مخابرات را ندارد و از طرفی نمی‌توان تنها به این دلیل اهداف و اصول کشور را نادیده گرفت. در این شرایط بایستی بخش خصوصی به همراه برخی نهادهای بزرگ دولتی وارد عرصه شوند و با ایجاد ظرفیت‌های گفت‌وگویی متقابل، یک مشارکت دو طرفه بین بخش خصوصی و دولتی ایجاد شود. در خصوص مثال ذکر شده، نهادهای شبه‌دولتی که از نظر قانونی اجازه ورود به این عرصه را دارند، می‌توانند به میزان ۷ میلیارد از سهام مخابرات را خریداری نمایند و مابقی آن توسط بخش خصوصی تأمین شود. درست است که سهم بخش خصوصی مهم است، ولی باید در نظر گرفت که امکان در اختیار گرفتن سهم بیشتری از سوی این بخش در این مرحله از خصوصی‌سازی وجود نداشته و در واقع این روند بایستی به صورت "قدم به قدم" انجام شود. در این میان لازم است نهادهای تخصصی بخش خصوصی مسئولیت ایجاد روابط متقابل مذکور را به عهده گیرند و نقش ما هم تعریف حقوقی است که شرایط بخش خصوصی را در این مشارکت حفظ کند.

من معتقدم این اتفاق می‌تواند بی‌افتد، البته بایستی ظرفیت دو طرف افزایش یابد. در واقع زمانی

که قدم در این مسیر می‌گذاریم باید همگی از سختی کار مطلع باشیم و با امید به آینده حرکت کنیم.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به این که در حال حاضر بخش خصوصی در کشور از درصد پایینی از ظرفیت خود استفاده می‌کند، آیا تدابیری در مورد حل این مشکل و همچنین عدم بروز آن در خصوصی‌سازی‌های آتی اندیشیده شده است؟

در ابتدا باید گفت که ظرفیت تولید یک بخش تولیدی ارتباطی با وضع موجود ندارد، بلکه به مقیاس اقتصاد مربوط می‌شود، در این خصوص دو نکته حایز اهمیت است. اول این که معمولاً شرکت‌ها به میزان ظرفیت اسمی تولید نمی‌کنند، البته باید در جهت رسیدن به پیش‌بینی‌ها و اهداف تعیین‌شده حرکت کنند. مورد بعدی در مورد لزوم پیوند بخش خصوصی و دولتی می‌باشد. در واقع این تصور که باید همه‌چیز به طور کامل خصوصی باشد و یا همه‌چیز کاملاً دولتی باشد، به هیچ‌وجه درست نیست. در این جا می‌توان با یک مثال موضوع را بهتر توضیح داد. فرض می‌کنیم دولت یک کشور قصد اجرای یک پروژه بزرگ را داشته باشد. در این حالت دولت بایستی بسته پروژه مذکور را جهت ارایه به بازار آماده کند. در این میان شرکت‌های خارجی با بررسی این طرح تا ۲۰ درصد بودجه مورد نیاز آن مشارکت می‌کنند.

از سوی دیگر دولت با تشویق بخش خصوصی داخلی ۱۰ درصد پروژه را به این بخش واگذار کرده و تا ۵۰ درصد هم وام در اختیار آن قرار می‌دهد. ۲۰ درصد باقی مانده هم از سوی مؤسسات عمومی تأمین می‌شود. در ابتدا ممکن است که عنوان شود سهم بخش خصوصی - یعنی ۱۰ درصد - بسیار اندک است، ولی باید این نکته را مدنظر قرار داد که سهمی را که دولت در این پروژه تقبل کرده در طول ساخت پروژه همراه بخش خصوصی می‌باشد. از سوی دیگر زمانی که به مرحله بهره‌برداری می‌رسیم، دولت سهم خود را از این پروژه از طریق عرضه سهام خود در بازار و یا مستهلک کردن تدریجی آن توسط بخش خصوصی، خارج خواهد کرد. در صورت عرضه سهام دولت در بازار زمینه جهت ورود بخش خصوصی جدید فراهم می‌شود و در واقع پروژه مذکور به صورت آرام‌آرام و کاملاً منطقی به سمت خصوصی‌سازی حرکت می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** متشکریم. ■